

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب شهید سلیمانی

و مسائل روز

چکیده:

۱- چهارمین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی فرصت مناسبی برای بازخوانی و درس آموزی از عزم و اراده‌ی «فردی» است که توانست در پرتو باور و ایمان الهی، عمل صالح و مجاهده‌ی مستمر فی سبیل الله با نفس و خصم قد بکشد، بزرگ و بالنده شود و مدال افتخار تبدیل به «مکتب» راه گشا شدن را از امام جامعه دریافت نماید. از این رو، شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی فقط یک فرمانده نیست بلکه یک اسطوره بزرگ، منبع الهام بخش و مکتبی متعالی و جامع که ثمره حرکت مجاهدانه، هدف دار، سنجیده، خستگی ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص حاج قاسم به سوی اهداف والای الهی است.

۲- مکتب شهید سلیمانی یک مکتب فرازمانی و فرامکانی است؛ به این معنا که در عرصه‌های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و ... فراتر از زمان خود حرف برای گفتن دارد. مکتب شهید سلیمانی از این منظرگاه همانند مشعلی است که در پیخو خم‌های کم نور یا تاریک مسیر پیش‌رو را روشن می‌کند. به بیان دیگر، مکتب شهید سلیمانی ضرورت امروز جامعه است و از آن می‌توان به عنوان الگوی عملی بخش‌های مدیریتی و اجرایی کشور و بلکه جهان اسلام بهره‌های فراوان برد.

۳- شهید سلیمانی مختصات و ویژگی‌های ناب فردی و اجتماعی زیادی داشت که به تناسب انتخاباتی که در پیش است اگر بخواهیم به یکی از این مختصات اشاره و درس بگیریم، نگاه فراجناحی شهید سلیمانی در مسائل سیاسی است. این شهید خوشوقت اهل افراط و تفریط در حوزه سیاست نبود و اساساً نگاهی فراجناحی به سیاست داشت. عمده‌ترین تلاش شهید در این زمینه تلاش برای وحدت و انسجام ملی در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی بود و در این زمینه بینشی وسیع و جامع‌نگر داشت. لذا رهبر معظم انقلاب نگاه فراجناحی این شهید عزیز را این چنین می‌ستایند: «ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این گونه تقسیم‌بندی‌ها نبود اما به شدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود».

۴- وجه مکتب بودن سیره و سلوک فردی و اجتماعی شهید سلیمانی ایجاب می کند برای امروز ملت ایران به ویژه جوانان ما راهبرد و رهنمود داشته باشد. امروز ایران در آستانه دو انتخابات هم‌زمان مجلس و خبرگان قرار دارد که همه دوستان و دشمنان انقلاب با اهداف و انگیزه‌های متفاوت ابعاد مختلف آن از جمله، نحوه برگزاری، میزان مشارکت، کیفیت انتخاب و انتخابات، امنیت، سلامت حقیقی، رقابت واقعی، اخلاق‌مداری و قانون‌مداری را در روند و فرایند آن رصد می‌کنند. از این رو، باید دید انتخابات مطلوب از منظر مکتب شهید سلیمانی چه نوع انتخاباتی است و چگونه می‌توان راه ایشان را در انتخابات دنبال کرد و هر یک از بازیگران انتخابات چه حقوق و تکالیفی بر عهده دارند؟ بدون تردید، مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خویش که انتخابات مظهر عینی آن است، یکی از مشخصه‌های بارز مکتب شهید سلیمانی است؛ کما اینکه خود شهید سلیمانی نیز با وجود تمام دغدغه‌های کاری و اجرایی که داشتند و همیشه در حال سفر و مأموریت‌های خطیر بودند اما هرگز از پیگیری موضوعات مربوط به انتخابات و شرکت در آن غافل نبودند و همواره در ساعات نخست در پای صندوق‌های رأی حاضر شده و رأی خود را با تأمل، دقت و از روی فهم و بصیرت در صندوق می‌انداختند.

مقدمه:

چهارمین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی فرصت مناسبی برای بازخوانی و درس‌آموزی از عزم و اراده‌ی «فردی» است که توانست در پرتو باور و ایمان الهی، عمل صالح و مجاهده‌ی مستمر فی سبیل‌الله با نفس و خصم قد بکشد، بزرگ و بالنده شود و مدال افتخار تبدیل به «مکتب» راه‌گشا شدن را از امام جامعه دریافت نماید. از این رو، شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی فقط یک فرمانده نیست بلکه یک اسطوره بزرگ و منبع الهام‌بخش و مکتب متعالی است؛ اسطوره و منبع و مکتب مقاومت در برابر ظلم و ظالم، اسوه اخلاص و کار بی‌منت برای خدا، سرمشق تلاش، ساده‌زیستی، شجاعت، مجاهدت و خدمتگزاری به مردم و قهرمان مبارزه در راه آرمان، بی‌آنکه از «غیر خدا» ترسی داشته باشد. مکتب سلیمانی، مکتبی جامع و ثمره حرکت مجاهدانه، هدف‌دار، سنجیده، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص حاج قاسم به سوی اهداف والای الهی است.

اعتقاد راسخ به ولایت فقیه، اراده قاطع بر حاکمیت دین خدا در جهان، تکلیف‌شناسی و انجام وظیفه، سلوک معنوی و دوری از نفسانیت و خودخواهی، باور به کرامت انسان‌ها و شتافتن به کمک آنها، مقابله و مواجهه با نظام سلطه، وحدت شیعه و سنی، کوشش و اقدام و عمل، نداشتن اعتماد به دشمن و نگاه تیزبین

به سرانگشتان نفوذ و خدعه آن، امید پایان‌ناپذیر به خدای متعال و باور به نصرت الهی و اجتناب از اشرافی‌گری را می‌توان از اصول این مکتب حیات‌بخش دانست. مکتب شهید سلیمانی یک مکتب فرازمانی و فرامکانی است؛ به این معنا که در عرصه‌های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و ... فراتر از زمان خود حرف برای گفتن دارد. مکتب شهید سلیمانی از این منظرگاه همانند مشعلی است که در پیخ و خم‌های کم نور یا تاریک مسیر پیش‌رو را روشن می‌کند. به بیان دیگر، مکتب شهید سلیمانی ضرورت امروز جامعه است و از آن می‌توان به عنوان الگوی عملی بخش‌های مدیریتی و اجرایی کشور و بلکه جهان اسلام بهره‌های فراوان برد.

ویژگی‌های مکتب شهید سلیمانی

۱- **مردم‌داری و مردم‌دار بودن:** از برجسته‌ترین امتیازهای نظام مردم‌سالاری دینی بر سایر نظام‌های سیاسی، خدمت‌گزار بودن مسئولان و فرماندهان آن است. در نظام مردم‌سالاری دینی، مدیریت‌ها و مسئولیت‌ها امانت‌هایی هستند که مردم بر عهده‌ی کارگزاران گذاشته‌اند و حفظ و ادای این نعمت به خدمت‌رسانی است. سردار سلیمانی در زمینه مردم‌داری در تمام حوادثی که برای ملت ایران پیش آمد پا به رکاب بود و جان خود و همه توان خود را مصروف خدمت بی‌منت به مردم کرد. در واقع، یک سرباز تمام‌عیار ملت بود. در حوادث گوناگون در میان مردم حضور می‌یافت و به یاری آنها

می‌شتافت که نمونه بارز آن حضور در میان سیل‌زدگان در اوایل سال ۱۳۹۸ بود.

۲- **نگاه فراجناحی به سیاست؛ شهید سلیمانی مختصات و ویژگی‌های ناب فردی و اجتماعی زیادی داشت که به تناسب انتخاباتی که در پیش است اگر بخواهیم به یکی از این مختصات اشاره و درس بگیریم، همین نگاه فراجناحی شهید سلیمانی به سیاست است.** ایشان اهل افراط و تفریط در حوزه سیاست نبود و اساساً نگاهی فراجناحی به سیاست داشت. نگاه شهید سلیمانی به جناح‌های مختلف سیاسی که زیر خیمه انقلاب بودند، نگاه به اعضای یک خانواده با سلیقه‌های متفاوت بود. عمده‌ترین تلاش شهید در این زمینه تلاش برای وحدت و انسجام ملی در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی بود و در این زمینه بینشی وسیع و جامع‌نگر داشت. رهبر معظم انقلاب نگاه فراجناحی این شهید عزیز را این چنین می‌ستایند: «ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این گونه تقسیم‌بندی‌ها نبود اما به شدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در انقلاب بود».

۳- **سنجیدگی و تدبیر در امور؛ عمل بر اساس تدبیر و درایت مبتنی بر بصیرت** از شاخص‌های مهم مکتب شهید سلیمانی است. شهید سلیمانی دشمن را خوب

می شناخت و بر ترفندهای آن مسلط بود. او از نوع عملکرد دشمن می توانست موقعیت آن را خوب بفهمد. شهید سلیمانی در صحنه داخلی ایران با تدبیر و درایت زیادی ظاهر می شد. خط سیاسی او در مواجهه با جریانات و جبهه های سیاسی کاملاً معلوم بود. او نه در قاعده اصلاح طلب و نه در قاعده اصولگرا قابل تعریف بود، اگرچه وی اصول ثابتی داشت.

۴- **استفاده از فرصت ها؛** شهید سلیمانی را باید مبدع استراتژی های جدید

دانست که در این میان ایشان با استفاده از تهدیدهای پیش رو، فرصت های مهمی را برای محور مقاومت به وجود می آوردند. یک نمونه بارز از اقدامات ایشان در این زمینه تبدیل کردن تهدیدها در کشورهای منطقه به فرصت بود که از درون تهدیدی همچون داعش، فرصت های بی نظیری برای منطقه و محور مقاومت به وجود آوردند که یک نمونه آن تشکیل هسته های مردمی در کشورهای منطقه و مقاومت مردم محور بود.

۵- **بصیرت سیاسی؛** شهید سلیمانی نماد کامل یک انسان بصیر بود. بصیرت

در سرتاسر زندگی و افکار و رفتارهای او موج می زد. بصیرت به معنای شناخت حقیقت و قدرت درک صحیح امور است. در کشاکش بحران ها و مشکلات فردی و اجتماعی، جوهره، ظرفیت و باورهای افراد ظهور می یابد؛ هر انسانی ممکن است پیش از مواجهه با مشکلات، ادعاهای فراوانی مبنی بر فضایل و داشته های فکری، اعتقادی، معنوی و مانند آن داشته باشد؛ ولی این ادعا زمانی رنگ واقعیت را به خود خواهد دید که در هنگام بروز

بحران‌های فکری، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی نیز همچنان پابرجا و استوار بماند؛ زیرا در این حالات است که توانایی تشخیص حق از باطل و درست از نادرست مشخص شده، ریزش‌ها و رویش‌های بسیاری صورت می‌گیرد و باورهای فکری و ناگفته‌ها و واقعیات درون، به صورت گفتار و رفتار بروز می‌نماید. بنابراین باید دنبال راهکاری برای ثبات قدم و یافتن قوه درک حق و باطل، و سره و ناسره بود که بی‌تردید، داشتن بصیرت، رمز و رازی غیر قابل انکار در ثبات فکری و استواری در حوادث گوناگون خواهد بود که با رعایت یک‌سری شرایط و بسترها حاصل خواهد شد. در این راستا شهید سلیمانی ماورای تفکرات جناحی می‌اندیشید و سعی در حل و فصل امور بر مبنای وحدت و تقرب افکار داشت. ایشان انقلابی محض و تابع ولایت ولی امر مسلمین بود.

۶- **تقوای سیاسی؛** از بنیان‌های دیگر مکتب شهید سلیمانی تقوای سیاسی است. در این راستا از جمله مواردی که شهید سلیمانی به عنوان یک نمونه بارز قابل الگوگیری است شیوه تعاملات سیاسی ایشان بود. ایشان در حالی که سیاسی‌ترین و انقلابی‌ترین مواضع را اتخاذ می‌کردند؛ اما گرفتار حزب و گروه و جریان سیاسی خاصی نبودند بلکه همیشه طرفدار امت اسلام بودند. البته شاید دلیل دیگر عدم ورود ایشان به اختلافات سیاسی، تبعیت محض او از ولایت فقیه بود که موجب شد ایشان طبق بیانات ولایت فقیه، ارزش‌های انقلابی و اسلامی را بر هر گونه سلیق سیاسی ترجیح داده و به جای ورود در کش و

قوس‌های سیاسی داخلی، همواره خط انقلاب و اوامر ولایت فقیه را مود توجه داشته باشد.

۷- فراملی بودن؛ از دیگر ویژگی‌های سردار شهید سپهبد سلیمانی، ویژگی

فرامرزی و فراملی بودن ایشان بود. حضور ایشان در محور مقاومت در غزه و لبنان و بعد در سوریه و عراق، تراز فرماندهی ایشان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را ارتقا داد و از ایشان فرمانده‌ای فرامرزی ساخت. با تلاش‌های مجاهدت‌گونه ایشان بود که پدیده مبارک «مدافعان حرم» با محوریت و مجاهدت رزمندگان ایرانی در مقابل تروریست‌های تکفیری و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی‌شان شکل گرفت. با حماسه‌ها و رشادت‌های مدافعان حرم، سیطره و چنبره تسلط داعش بر قسمت‌های اعظمی از سوریه و عراق برچیده شد و امنیت دوباره به منطقه بازگشت و در حقیقت بازگشت دوباره امنیت به منطقه و عادی شدن زندگی مردم این کشورها مرهون تلاش‌های شهید سلیمانی است.

۸- فرماندهی عرصه‌های سخت؛ قبول خطر و برداشتن گام بلند در صحنه

نبرد و نیز فرماندهی از نزدیک از ویژگی‌های مدیریتی ایشان در عرصه نبرد بود. اگرچه ایشان یک استراتژیست جنگ بود اما نه در شرایط عادی جنگ، بلکه در صحنه‌های پرخطر نبرد همواره حضور می‌یافت و تدابیر را اعمال می‌کرد.

۹- مدیریت راهبردی در شرایط بحرانی؛ بسیاری از مدیران در شرایط

عادی توان مدیریت و ساماندهی را دارا هستند اما در شرایط بحرانی توان

مدیریت ندارند. مدیریت در شرایط بحرانی به مدیر و فرمانده این فرصت را می دهد تا بتواند با سرانگشت تدبیر بحران را کنترل و آن را به جبهه دشمن منتقل نماید. شهید سلیمانی در عرصه مدیریت و فرماندهی با چند بحران پیچیده مواجه شد که از جمله آنها تهاجم ارتش جعلی رژیم صهیونیستی به لبنان بود. در طول این مدت ارتش رژیم اشغالگر از زمین، هوا و دریا حمله همه جانبه ای را به قصد نابودی حزب الله آغاز کرد که با لطف الهی و مدیریت هوشمندانه دبیرکل حزب الله و هدایت های شهید سلیمانی ارتش نیرومند اسرائیل غاصب با شکست مفتضحانه ای مواجه گردید. بحران دیگر تهاجم اشرا و از جمله داعش با حمایت آمریکا به سوریه و اشغال بخش عمده ای از خاک سوریه و تسلط بر بخش عمده ای از دمشق بود که دمشق در آستانه سقوط قرار داشت اما با ساماندهی جدید نیروهای ارتش و نیروهای مردمی و هدایت سردار رشید اسلام خطر قطعی از سر حکومت سوریه رفع و دفع شد و آرام آرام اشرا و داعش به عقب رانده شدند. بحران دیگر در دوران مدیریت شهید سلیمانی تهاجم داعش به عراق و کشت و کشتار فجیع و تسلط به برخی شهرها و حرکت به سمت بغداد بود که سردار سلیمانی با ساماندهی و به میدان آوردن نیروهای مردمی و مدیریت بحران در عراق توانست خطر را از بغداد دور نموده و زمینه خروج اشرا و داعش را از سرزمین عراق فراهم نماید.

۱۰- خنثی‌سازی طرح‌های آمریکا در منطقه؛ بعد از شکست راهبرد بوش

پسر در راه اندازی ماشین جنگی در تحقق راهبرد جنگ تمدن‌ها و اشغال نظامی افغانستان، عراق، دو نقطه مهم شرق و غرب ایران و تحمیل هزینه‌های سنگین انسانی و تجهیزاتی در افغانستان و عراق، راهبرد حضور مستقیم در راستای جنگ تمدن‌ها به راهبرد جنگ درون تمدنی تغییر یافت و راهبرد آمریکا بر درگیری بین کشورهای منطقه و تحمیل هزینه‌های انسانی و مالی بر دولت‌ها و مردم استوار گردید. نقطه آغازین جنگ درون تمدنی بر طرح خاورمیانه بزرگ تمرکز یافت و این طرح با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان با هدف نابودی حزب الله به عنوان اولین مانع تحقق خاورمیانه بزرگ آغاز گردید که اگر این حرکت موفق بود نوبت بعدی سوریه و حرکت دومینوی راهبرد آمریکا جامه‌ی عمل می‌پوشید. نقش مدیریت هوشمندانه شهید سلیمانی با محوریت حزب الله در تقابل با ارتش رژیم اشغالگر در حقیقت مقابله با آغازین حرکت جنگ درون تمدنی بود که با توفیق الهی خنثی شد و اولین نقطه شروع در نطفه خفه شد. با شکست مرحله اول طرح خاورمیانه بزرگ، آمریکا وارد فاز دوم شده و با پرورش و ساماندهی جریان‌ها و گروه‌های تروریستی داعشی با هدف سقوط دمشق و بغداد، با هدایت و پشتیبانی گروه‌های معارض، سوریه و عراق را مورد هدف قرار داد که در گام اول با ساماندهی ارتش سوریه و نیروهای مردمی

در عراق و با مدیریت راهبردی شهید سلیمانی دشمن در سقوط دمشق و عراق ناکام ماند و در مرحله بعد که دشمن با طراحی شیوه‌های گوناگون و تلاش‌های زیاد در صدد تجزیه سوریه و عراق برآمد، با هدایت‌های هوشمندانه رهبر معظم انقلاب اسلامی و مدیریت شهید حاج قاسم سلیمانی در میدان، دشمن در این نقشه هم با شکست مواجه گردید و سرانجام جبهه مقاومت توانست سوریه و عراق را از لوٹ اشرار پاک نماید.

۱۱- حفظ و استحکام محور مقاومت؛ از جمله مهم‌ترین اهداف جبهه کفر

و استکبار و ارتجاع منطقه از ساماندهی اشرار برای ایجاد اغتشاش و آشوب در منطقه، جدا کردن سوریه از محور مقاومت و تغییر در بافت منطقه به نفع معادلات قدرت و نظام سلطه بود که در این مسیر هزینه‌های زیادی را متحمل شدند و چنانچه این هدف محقق می‌شد هندسه مقاومت دچار تغییر می‌گردید و همه تلاش‌های چند دهه گذشته در معرض نابودی قرار می‌گرفت. ورود نیروهای جهادی از لبنان و دیگر کشورها و ثبات و مقاومت دولت سوریه و هدایت‌های هوشمندانه رهبر معظم انقلاب اسلامی و با مدیریت میدان از سوی شهید سلیمانی به منصفه ظهور رسید، نه تنها مقاومت دچاره تزلزل نگردید بلکه به مراتب قوی‌تر و مستحکم‌تر از گذشته شد.

مکتب شهید سلیمانی و مسائل (روز)

الف) انتخابات

وجه مکتب بودن سیره و سلوک فردی و اجتماعی شهید سلیمانی ایجاب می‌کند برای امروز ملت ایران به ویژه جوانان ما راهبرد و رهنمود داشته باشد. امروز ایران در آستانه دو انتخابات هم‌زمان مجلس و خبرگان قرار دارد که همه دوستان و دشمنان انقلاب با اهداف و انگیزه‌های متفاوت ابعاد مختلف آن از جمله، نحوه برگزاری، میزان مشارکت، کیفیت انتخاب و انتخابات، امنیت، سلامت حقیقی، رقابت واقعی، اخلاق‌مداری و قانون‌مداری را در روند و فرایند آن رصد می‌کنند. از این رو، باید دید انتخابات مطلوب از منظر مکتب شهید سلیمانی چه نوع انتخاباتی است و چگونه می‌توان راه ایشان را در انتخابات دنبال کرد و هر یک از بازیگران انتخابات چه حقوق و تکالیفی بر عهده دارند؟ بدون تردید، مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خویش که انتخابات مظهر عینی آن است، یکی از مشخصه‌های بارز مکتب شهید سلیمانی است؛ کما اینکه خود شهید سلیمانی نیز با وجود تمام دغدغه‌های کاری و اجرایی که داشتند و همیشه در حال سفر و مأموریت‌های خطیر بودند اما هرگز از پیگیری موضوعات مربوط به انتخابات و شرکت در آن غافل نبودند و همواره در ساعات نخست در پای صندوق‌های رأی حاضر شده و رأی خود را با تأمل، دقت و از روی فهم و بصیرت در صندوق می‌انداختند. با تأمل در مکتب سیاسی شهید

سلیمانی درباره انتخابات، رویکرد تکلیف محوری در توصیه‌های ایشان مشهود است و دو دسته تکالیف انتخاباتی برای نامزدها و رای دهندگان از منظر این شهید گرانقدر قابل بررسی است و مسلماً، به کار امروز ملت ایران که آماده حضور دشمن شکن دیگری در انتخابات اسفند امسال است می‌آید:

۱. تکالیف نامزدهای انتخاباتی

ایشان در بحث نامزدها و افرادی که برای تصدی عناوین انتخابی وارد فضای رقابتی می‌شوند، چند رویکرد داشته‌اند:

- **رقابت سالم:** ایشان قائل به یک رقابت سالم و به دور از هرگونه اظهارات خلاف واقع توسط کاندیداها بود که این امر امروزه نیز باید در دستور کار نامزدهای انتخابات قرار گیرد. به گونه‌ای که شهید حاج قاسم سلیمانی درباره رقابت‌های انتخاباتی اظهار می‌کردند: هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضعیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید..

- **عدم تخریب یکدیگر:** جلوگیری از تخریب یکدیگر در کنار مساله احترام متقابل به یکدیگر مهمترین موضوع و عنصر رقابتی از منظر ایشان بود. امروزه باید علاوه بر تشویق مردم به حضور حداکثری در انتخابات بر روی موضوع جلوگیری از تخریب نامزدهای انتخاباتی نیز تمرکز کرد.

- **عدم تشدید فضای دوقطبی:** رویکرد سوم ایشان نیز جلوگیری از تشدید فضاهای دوقطبی در جامعه بود که این مساله را به عنوان یک موضوع مهم تلقی می‌کردند که باید در جامعه مراقبت شود. همین مساله باید در دستورکار نامزدهای انتخاباتی قرار گیرد و از ایجاد دوقطبی‌های کاذب جلوگیری شود.

۲. تکالیف رأی دهندگان

- **مشارکت حداکثری:** شهید سلیمانی در بسیاری از موضوعات داخلی دیدگاه‌های منحصر بفرد و متکی بر مباحث خاصی داشتند که یک نمونه آن بحث انتخابات است. شهید سلیمانی در بحث انتخابات قائل به مشارکت حداکثری بود و در مقاطع مختلف نیز بر روی این موضوع تاکید داشتند و در مقطعی که ایشان در میدان‌های جنگ علیه داعش حضور داشتند، به عنوان یک فرد انقلابی در انتخابات مشارکت می‌کردند و این نشان می‌دهد که مردم نیز تحت هر شرایطی و با هر ملاحظاتی که دارند، لازم بلکه واجب است برای اقتداربخشی به کشور و پشتیبانی از مسئولان در انتخابات شرکت کنند.

- **تشویق سایرین به مشارکت:** یکی از اقداماتی که جریان انقلابی با تاسی از شهید سلیمانی باید در دستورکار قرار دهد، تشویق به مشارکت گسترده مردم در انتخابات است که این امر برگرفته از مکتب شهید سلیمانی است.

- **انتخاب افراد دارای روحیه انقلابی:** بحث دیگری که در رابطه با انتخابات می‌توان از مکتب سیاسی شهید سلیمانی فراگرفت، بحث انتخاب افراد

اصلاح و دارای روحیه انقلابی است. امروزه مردم نیز باید همین منش و روش را در انتخاب نامزدها در نظر بگیرند.

- **انتخاب افراد شایسته:** شایسته سالاری یکی از مهمترین گزینه‌ها در مکتب سیاسی شهید سلیمانی است. به گونه‌ای که شهید سلیمانی؛ شکل‌گیری جامعه‌ی صالح را در گرو تربیت افراد صالح و به کار گماری آنها در مناصب حاکمیتی می‌داند. انتخاب افراد شایسته و انقلابی علاوه بر رفع مشکلات مردم منجر به ایجاد یک امید و نشاط در سطح جامعه می‌شود. مبتنی بر این بینش لازم است در مقطع فعلی نیز مردم برحسب شایستگی نامزدها و تخصص و تعهد آنها، افرادی را انتخاب کنند که به دنبال رفع مسائل و مشکلات مهم کشور باشند.

- **انتخابات مطلوب در مکتب حاج قاسم:** بدون شک انتخابات مطلوب در این مکتب انتخاباتی است که تحقق بخش راهبردهای امامین انقلاب باشد. انتخاباتی که در آن از گزینه‌ها و شاخصه‌های انقلابی‌گری خبری نیست، مطلوب حاج قاسم نیست. در چارچوب مکتب سلیمانی، مشارکت باید معطوف به انتخاب گزینه‌های انقلابی، کارآمد و دارای برنامه و کارنامه موفق و انقلابی باشد.

ب) جنگ غزه

جنگ غزه امروز در صدر مسائل منطقه و جهان اسلام قرار دارد. مقاومت امروز مردم غزه و راهبردهایی که مقاومت فلسطین در جنگ غزه دارد، عمل به رهنمودها و راهبردهای شهید سلیمانی و ره آورد گسترش مکتب این شهید والامقام است. به عبارتی مقاومت مردم غزه در عملیات طوفان الاقصی و شکست صهیونیست‌ها در دستیابی به اهدافشان مرهون مکتب شهید سلیمانی است. تسلیح گروه‌های فلسطینی در نوار غزه، جایی که در محاصره رژیم صهیونیستی است و دسترسی به خارج از آن بسیار سخت است، همیشه مورد توجه رسانه‌ها و تحلیل‌گران و حیرت مقامات رژیم صهیونیستی بوده است. بخش مهمی از موفقیت غزه در دستیابی به تسلیحات مرهون حمایت‌های شهید سردار سلیمانی بود که فلسطینی‌ها بعد از شهادت ایشان بارها بر آن تأکید کردند و مقامات فلسطینی در سخنرانی‌های مختلف به نقش و حضور سردار سلیمانی در غزه و جنگ ۲۲ روزه اشاره کردند.

عملیات طوفان الاقصی که روز شنبه ۱۵ مهر (۷ اکتبر) به شکل زمینی و هوایی از سمت غزه در اراضی اشغالی صورت گرفت، می‌توان بزرگترین عملیات مقاومت در سال‌های اخیر برشمرد. آنچه که امروزه در غزه و در قالب عملیات طوفان الاقصی جریان دارد، تحقق عینی راهبردهای شهید سلیمانی در سطح کلان و در مواجهه با

رژیم صهیونیستی است. در توضیح این واقعیت باید گفت رژیم صهیونیستی یک راهبرد تاریخی دارد که به استراتژی بن گوریون معروف است که بر مبنای آن، مسئله از درون فلسطین باید به بیرون از فلسطین منتقل شود و محیط پیرامونی و دولت‌های عربی مشغول شوند تا مسئله فلسطین خاتمه پیدا کند. یعنی فلسطین برای اسرائیل است و جنگ نباید داخل فلسطین باشد و باید آن را به بیرون صادر کرد. این استراتژی که از تاسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ وجود داشت ستون مرکزی استراتژی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد که شامل دو اصل دیگر غافلگیری و پیروزی‌های برق آسا است. اصل اول و کانونی استراتژی تاریخی رژیم صهیونیستی صدور بحران به بیرون از فلسطین بوده است که دیگران به جای او مشغول باشند. بنابراین از این زاویه به لحاظ استراتژیک صهیونیست‌ها به صدور بحران به بیرون از مرزهای اشغالی نیاز دارند.

بنابراین وقتی خوانش از استراتژی اسرائیل می‌کنیم باید این سه سطح را در نظر بگیریم: اصل اول بدیهی که باید تمرکز بر غزه باشد و جبهه‌های دیگر گشوده نشود. اصل دوم اصل تاریخی اسرائیلی‌ها به لحاظ افق دراز مدت که باید مسئله را از داخل به بیرون صادر کنند و اصل سوم نیازهای ائتلاف حاکم و حتی کلیت رژیم صهیونیستی. در وهله اول استراتژی که ایران و بطور مشخص و ملموس شهید سلیمانی به فلسطینی‌ها پیشنهاد می‌داد - به ویژه در دو سه دهه اخیر - این بود که

مقاومت باید مهندسی معکوس استراتژی تاریخی اسرائیل را انجام دهد، یعنی اصول راهبردی بن گوریون معکوس شود و بحران را به داخل فلسطین برگرداند؛ جایی که منشا بحران است، یعنی مسئله اشغال فلسطین است. نباید اجازه داد استراتژی اسرائیلی موفق شود؛ اسرائیل از جنگ ۱۹۶۷ به بعد با موفقیت نسبی مسئله را به بیرون صادر کرد و مسئله فلسطین تمام شد و مسئله جولان، سینا و مسایل بیرونی موضوع اصلی شد. دو اصل مکمل مهندسی معکوس استراتژی بن گوریون این بود که اگر آنها غافلگیر می کردند، این مقاومت است که باید از اصل غافلگیری استفاده کند. در نبرد ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ غافلگیری یک عنصر اساسی در استراتژی مقاومت بود که تاثیر زیادی در نتیجه پیروزی ها داشت و در ۷ اکتبر اصل غافلگیری در بالاترین درجه خود به اجرا گذاشته شد. اصل سوم معکوس کاری بود که اسرائیلی ها در نبردهای سریع و پیروزی های برق آسا انجام می دادند، بالعکس باید نبردهای طولانی مدت و جنگ های فرسایشی توسط مقاومت به اسرائیل تحمیل شود که دچار استهلاک شود، مجموعه قدرت اسرائیل تضعیف شود و بستر بیرونی فراهم شود تا این قدرت طغیانگر مهار شده و استراتژی مقاومت پیش برود.

ج) سیاست خارجی

سردار سلیمانی در عرصه سیاست خارجی به تولید قدرت و قوت مضاعف برای کشور اهتمام جدی داشت. حاج قاسم سلیمانی یکی از تاثیر گذارترین شخصیت های

منطقه‌ای و جهانی، نقش مهمی در تغییر معادلات خاورمیانه و مانع نفوذ رژیم غاصب صهیونیستی در سطح منطقه شد.

شهید سلیمانی پس از جنگ تحمیلی متوجه جریان‌سازی‌های آمریکا، رژیم صهیونیستی و قدرت‌های منطقه‌ای برای به حاشیه کشاندن مساله فلسطین شد؛ لذا حضوری فعال و موثر در منطقه حساس غرب آسیا داشت. در این راستا شکل‌گیری محور مقاومت برای تقابل با رژیم غاصب صهیونیستی و هژمونی آمریکا یکی از اقدامات مهم شهید سلیمانی است؛ به عبارتی آنچه که امروز تحت عنوان مقاومت و حرکت مردمی و شکل‌گیری گروه‌های مقاومت در سوریه، عراق، لبنان، یمن و فلسطین اشغالی می‌بینیم، نتیجه اقدامات فعال شهید حاج قاسم سلیمانی بود. یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های محوری سیاست خارجی در مکتب شهید سلیمانی که برگرفته از سیره حضرت امام در عرصه سیاست خارجی است، هنر تبدیل اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی به شاخص‌ها و معیارهای منافع ملی است.